

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دھيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني

دردِ سرِ پیری

هموار کُنم یا نكُنم دفترِ پیری
افشا که شود یا نشود فصلِ خزانست
هر غنچه بشکفته ایامِ جوانی
معشوقه و می گرمی بگذشته ندارد
ای وای وطن بود بهشتی و در آنجا
امروز درین غریت و شبهای غم آلود
نی ساقی گلچهره و نی جام لبالب
بی شبیه خدایش بدهد فیضِ دو عالم
پیری نشود منبع بیچارگی من
پیری که فریبنده و مکار نباشد
اکسیرِ زمانست و عزیزِ همگانست
دیشب همه شب تا به سحر گریه نمودم
بی رحمتِ مُطلق نتوان راه گشودن

انکار شود یا نشود بر سرِ پیری
حقا که هویدا شده پس منظرِ پیری
افسرده و پژمرده شد و پرپرِ پیری
سرد است خدایا چه کُنم بسترِ پیری
کیفِ دگری داشت می و ساغرِ پیری
حیف است که ناید ببرم دلبرِ پیری
نی ساز رباب است و نه رامشگرِ پیری
چون دخترِ رز هر که شود یاورِ پیری
آوارگی است باعثِ دردِ سرِ پیری
از کف ندهد حیثیت و لنگرِ پیری
والله که گرانست چنین گوهرِ پیری
باموی سپید و تن عُصیانگرِ پیری
بر درگه آن پادشه کشورِ پیری

یارب تو در کعبه به {ناظم} بگشائی

حاجی شوم و توبه کُنم از شرِ پیری

این پارچه شعر را قبل از رفتن حج سروده بودم